



Applying Alter Ego Rule in Parent and Subsidiary Corporations: A Comparative Study of American Law, Imamiyah Jurisprudence and Law of Iran

Received: 18/03/2020; Accepted: 07/10/2020

Gholamnabi Feyzi Chekab¹

Majid Banaei Oskoei²

Seyyed Mohammad Mosavi³

Abstract:

If two corporations are related and affiliated through management and economic circles, one is called the parent and the other is the subsidiary. This affiliation will, in most cases, result in the complete domination and control of the parent over the subsidiary and thus abuse its template. Now, given the acceptance of the principle of limited liability in corporate law, can the legal practices and actions created be attributed to the parent company as the controller of the legal relationship (between the subsidiary and third parties)? The US legal system, by resorting to the Alter Ego rule, has prevented such an abuse. The Alter Ego refers to the conditions that the courts exercise on the basis of Justice and Equity and thereby treat the parent company as the proprietor of the company or the real party to the benefit against good faith third parties. The basic conditions for applying this rule can be effective real ownership and control of the Alter Ego (the parent company) over the actions of the subsidiary, unity of interest and ownership between the two companies and unjustified actions of parent company. In the Iranian legal system, there is no explicit regulation in Trade Code in this regard. There is no specific solution in the case law as well. But it seems that by taking advantage of capacities of Imamiyah jurisprudence and domestic law such as The Swindle Rule, the Rule of No Damage, the Theory of Agency, the Theory of Relative Independence of the Legal Personality and other principles, this rule can be applied.

Keywords: Alter Ego, Parent Company, Subsidiary Company, Control, Independence of the Legal Personality, USA Law.

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University.
3. Ph.D. Candidate in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University (Corresponding Author): Email: mosavim8447@yahoo.com.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اجرای قاعده اصیل واقعی در شرکت های مادر و تابعه: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، فقه امامیه و حقوق ایران

تاریخ دریافت ۹۸/۱۲/۲۸ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۷/۱۶ غلام نبی فیضی چکاب^۱
مجید بنایی اسکویی^۲
سید محمد موسوی^۳

چکیده

چنانچه دو شرکت، از طریق حلقه های مدیریتی و اقتصادی، مرتبط و وابسته باشند، یکی شرکت مادر و دیگری شرکت تابعه نامیده می شوند. این وابستگی، در اغلب موارد، منجر به سلطه و کنترل کامل شرکت مادر بر شرکت تابعه و در نتیجه سوء استفاده از قالب آن خواهد شد. حال با توجه به پذیرش اصل مسئولیت محدود در حقوق شرکت ها، آیا می توان اعمال و اقدامات حقوقی ایجاد شده را به شرکت مادر به عنوان کنترل کننده رابطه حقوقی (بین شرکت تابعه و اشخاص ثالث) منتسب نمود یا خیر؟ نظام حقوقی آمریکا با توسل به قاعده "اصیل واقعی" مانع چنین سوء استفاده ای شده است. اصیل واقعی، به شرایطی اشاره دارد که دادگاه ها، بر مبنای عدالت و انصاف آن را بکار گرفته و از این طریق، اصیل مذکور را به عنوان مالک اموال شرکت یا طرف واقعی منفعت، در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت معرفی می کنند. شرایط اساسی اجرای این قاعده را می توان، "سلطه و کنترل مؤثر اصیل واقعی (شرکت مادر) بر اقدامات اصیل ظاهری (شرکت تابعه)"، "وحدت منفعت و مالکیت بین این دو شرکت" و "ناعادلانه بودن اقدامات شرکت مادر" دانست. در ایران، قانون تجارت صراحتی در این خصوص ندارد. در رویه قضایی هم راه حل خاصی دیده نمی شود. ولی به نظر می رسد با بهره گیری از ظرفیت های فقه و حقوق چون "قاعده غرور"، "قاعده لاضرر"، "نظریه نمایندگی"، "نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی" و دیگر اصول می توان این قاعده را اجرا کرد.

واژگان کلیدی: اصیل واقعی، شرکت مادر، شرکت تابعه، کنترل، استقلال شخصیت حقوقی، حقوق آمریکا.

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: Mosavim8447@yahoo.com



مقدمه

حقوق شرکت ها، تحولات ماهوی زیادی را پشت سر گذاشته است. در ابتدا، فعالیت های تجاری الزاماً باید از طریق شرکت هایی صورت می گرفت که مالک آن شرکت، مسئول تمام دیون و تعهدات شرکت بود (قنبری جهرمی، باغبان، ۱۳۹۳: ۱۹۴). به تدریج، در اکثر نظام های حقوقی پیشرفته از جمله حقوق آمریکا، اصل شخصیت حقوقی مستقل به کار گرفته شد (Robert and Others, 2018: 4) و شرکت هایی تحت عناوین شرکت مادر^۱ و شرکت تابعه^۲ بوجود آمد. با عنایت به اصل استقلال شخصیت حقوقی، که در رابطه شرکت مادر و شرکت تابعه نیز صادق است، زمانی که شرکت ها به واسطه این شخصیت، وارد رابطه با اشخاص ثالث با حسن نیت می شوند، هریک باید پاسخگوی تعهدات خود باشند (رضائی، ۱۳۹۶: ۶۱). علیرغم نتایج مثبتی که پذیرش این اصل به همراه دارد، با این حال در برخی از موارد زمینه سوء استفاده از آن نیز فراهم شده است. لذا یکی از قواعدی که در حقوق آمریکا برای تعدیل اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت های تجاری و جلوگیری از سوء استفاده از قالب این شرکت ها در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت بیان شده است، قاعده اصیل واقعی^۳ می باشد (Jennifer, 2007: 1-5). در حقوق آمریکا، این قاعده "خود دیگری"^۴ نیز نامیده می شود (Louise and Others, 2017: 2)؛ به عبارت دیگر، "هرگاه ثابت شود که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی، اراده متعهد تحت سلطه و کنترل شخص خارجی باشد، تعهد ایجاد شده را می توان منتسب به اصیل واقعی دانست" (نصیری، ۱۳۶۴: ۲۲۴). بر طبق این قاعده که در رویه قضایی آمریکا، دارای سابقه طولانی است، زمانی که شرکت مادر، از قالب و شکل شرکت های تابعه برای نیل به

1 Holding company
2 Subsidiary company
3 Alter Ego
4 Other I



اهداف نامشروع و غیرقانونی استفاده می کند، حقوق در راستای اجرای عدالت و انصاف، از طریق اعمال قاعده فوق (اصیل واقعی) و با در نظر گرفتن شرکت مادر به عنوان مالک و ذینفع اصلی فعالیت های شرکت تابعه، مانع تضییع حقوق اشخاص ثالث می شود (Jennifer, 2007:1). اگرچه اجرای این قاعده در حقوق آمریکا، شامل اشخاص حقیقی هم می شود، ولی غالباً دادگاه ها و دکتربین حقوقی، این قاعده را در رابطه بین شرکت های مادر و شرکت های تابعه بکار می برند (Alexander, 2017:20). چرا که "عملاً و به طور معمول این اشخاص حقوقی هستند که ابزار اجرای منویات اشخاص حقیقی و یا اشخاص حقوقی بزرگتر- در قالب شرکت های فرعی- واقع می شوند" (میرزایی امغانی، ۱۳۹۵: ۸۲). لازم به ذکر است که در ارتباط با موضوع، پایان نامه و مقالات چندی نگاشته شده است؛ نظریه اصیل واقعی و Alter Ego از سوی آقای دکتر نصیری ۱۳۶۴، گسترش قلمرو داوری در پرتو نظریه اصیل واقعی و مطالعه تطبیقی با حقوق ایران از آقای شید و ایزانلو ۱۳۹۶، پایان نامه مسئولیت شرکت مادر در قبال ورشکستگی های شرکت تابعه خانم پوزاد ۱۳۹۶ و رساله دکتری نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت از سوی آقای دکتر فرجی ۱۳۹۰. همانطور که ملاحظه می شود در پژوهش های یادشده غالباً به جنبه تاریخی موضوع از منظر رویه قضایی و کاربرد اصیل واقعی در حوزه داوری در حقوق داخلی و همچنین اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی در حوزه مسئولیت غیرقراردادی پرداخته شده است و به طور خاص درباره ی مفهوم قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا و ایران، مقایسه این قاعده با مفاهیم مشابه و مبانی آن در حقوق آمریکا و شرایط اجرای قاعده اصیل واقعی بویژه در شرکت های مادر و تابعه در حوزه قراردادهای و تطبیق آن با حقوق موضوعه ایران بحثی دیده نمی شود. لذا در این پژوهش تلاش می شود به این سوالات پاسخ داده شود: قاعده اصیل واقعی در آمریکا به چه معنا بوده و از چه پیشینه ای در حقوق این کشور برخوردار است؟ تفاوت این قاعده با عناوین مشابه چیست و مبانی حقوقی قاعده مزبور چه می باشند؟ اجرای این قاعده در شرکت مادر و تابعه در حقوق آمریکا به چه نحو می باشد؟ آیا با استناد به اصول و قواعد فقهی و حقوقی، می توان این قاعده را در حقوق شرکت های تجاری ایران اعمال کرد؟



دلیل این که ایالات متحده آمریکا برای اجرای این قاعده انتخاب شده، این است که در طول دهه ها این قاعده در رویه قضایی و حقوق شرکت های تجاری این کشور کاربرد داشته و تا حد زیادی توسعه یافته است. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی خواهد بود.

۱. مفاهیم

اگرچه قاعده اصیل واقعی ابتدا در حقوق قراردادهای و برای تعمیم آثار قرارداد به آن (اصیل واقعی) بعنوان منتفع اصلی قرارداد، مطرح شده است (شید و ایزانلو، ۱۳۹۶: ۱۹۶)، ولی یکی از مواردی که این قاعده کارکرد اصلی خود را نشان داده، شرکت های مادر و تابعه در حقوق آمریکا است (Robert and Others, 2018: 9-10). در این قسمت، ابتدا به مفهوم شرکت مادر و شرکت تابعه در حقوق آمریکا می پردازیم. سپس به بیان مفهوم قاعده اصیل واقعی در حقوق این کشور خواهیم پرداخت.

۱-۱. مفهوم شرکت مادر و شرکت تابعه

شرکت مادر، شرکتی است که به منظور اداره و کنترل شرکت های زیرمجموعه ی خود، از طریق خرید بخش اصلی سهام دارای حق رأی آن، ایجاد می شود (William Final, 1911: 100). در مقابل، شرکت تابعه؛ شرکتی است که اکثریت سهام، بیشترین حق رأی و اختیار انتخاب اکثر مدیران آن در اختیار شرکت مادر است (Available at: <http://www.Merriam Webster.com>: Last visited on 10/10/2019). بنابراین، در حقوق آمریکا، شرکت مادر به دو طریق اقدام به تشکیل و اداره شرکت های تابعه می کند؛ یکی تملک عمده سهام (بیش از پنجاه درصد) و دیگری، از طریق قرارداد مدیریت (انتخاب هیئت مدیره)؛ شرکتی که از طرق مذکور شرکت دیگر را کنترل و مدیریت می کند، شرکت مادر نام دارد و شرکتی که در کنترل شرکت دیگر (شرکت مادر) است، را شرکت تابعه می نامند (Garner, 2009: 67-394-435). لذا با توجه به مراتب فوق، اگرچه سهامداران یک شرکت، اغلب اشخاص حقیقی می باشند ولی اشخاص حقوقی نیز می توانند در شرکت دیگر به عنوان سهامدار (مالک) یا مدیر، انتخاب شوند که منظور از سهامدار در این پژوهش، همان شرکت مادر می باشد.



۲-۱. معرفی و مفهوم قاعده اصیل واقعی

اصیل واقعی که در حقوق آمریکا "خود دیگری"، "قاعده آلت دست بودن شرکت"؛ "خرق حجاب شرکت"؛ "نماینده‌گی" (Louise and Others, 2017: 2-3) و "جانشینی" نیز نامیده می‌شود (فرجی، ۱۳۹۰: ۸۱). در فرهنگ حقوقی بلک لا، بدین صورت نگاشته شده است که؛ هرگاه شرکت مادر با سوء استفاده از شخصیت حقوقی شرکت تابعه، معاملاتی را با اشخاص ثالث انجام دهد و در آن معامله مرتکب تقلب شود و از این طریق موجب ضرر طرف معامله گردد، دادگاه با استفاده از قاعده اصیل واقعی، مسئولیت را بر وی بعنوان سهامدار تحمیل می‌کند (Garner, 2009: 119). همچنین نیز آمده است: "قاعده ای است که به منظور جلوگیری از تقلب یا بی عدالتی، شرکت مادر را به عنوان مالک اموال شرکت یا طرف واقعی منفعت تلقی می‌کند" (Garner, 2009: 119). حقوقدانان آمریکایی هم در مورد اصیل واقعی چنین نوشته اند؛ هرگاه شرکت مادر به طور ناعادلانه، از شکل و قالب شرکت تابعه، در راستای منافع خویش و به قصد اضرار به غیر، سوء استفاده و بهره برداری نماید، در این صورت می‌توان مسئولیت را بر وی به عنوان اصیل واقعی تحمیل نمود (Michael, Jennifer, 2007: 1, Danial, 2015: 278). رویه قضایی آمریکا، همگام با حقوقدانان این کشور، مفهومی تقریباً مشابه از اصیل واقعی ارائه داده اند. برای مثال، دادگاه عالی تگزاس،^۴ اصیل واقعی را اینگونه توصیف کرده است؛ بر طبق قاعده اصیل واقعی، هنگامی دادگاه ها، سهامداران را مسئول اقدامات ناعادلانه شرکت تلقی می‌کنند که شخصیت حقوقی (شرکت)، به عنوان وسیله و ابزاری برای فرار از تعهدات قانونی مورد سوء استفاده قرار گیرد، به نحوی که نتوان برای شرکت و سهامداران آن، شخصیت حقوقی مستقلی قائل شد (Elizabeth, 2017: 1-2). عبارت دیگر، رویه قضایی، زمانی یک شرکت را اصیل واقعی تلقی می‌کنند که از شرکت تابعه به عنوان "پوششی صرف برای



1 Instrumentally Rule
2 Piercing the corporate veil
3 Agency
4 Texas Supreme Court



معامله (شرکت مادر) با اشخاص ثالث بدون توجه به شخصیت شرکت " استفاده شود (Nicholas, 2012:2).

اگرچه در حقوق آمریکا در خصوص مفهوم شرکت مادر و تابعه تعاریف متعدد و مشخصی ارائه شده است، لیکن در خصوص قاعده اصیل واقعی تعریف مانع و جامعی دیده نمی شود و به واقع، رویه قضایی و حقوقدانان تنها به آثار و شرایط اعمال این قاعده پرداخته اند. البته نقطه مشترک مفاهیم فوق این است که، هنگامی شرکت مادر، اصیل واقعی (منتفع اصلی قرارداد) تلقی می گردد که شرکت مذکور، از شکل و ساختار شرکت تابعه برای فرار از تعهدات قانونی خود، سوء استفاده کرده باشد. در قوانین و مقررات حقوقی ایران نیز هیچ مقررره ای در مورد قاعده اصیل واقعی وجود ندارد و اساساً حقوق ما در این خصوص دارای خلأ می باشد. البته برخی از حقوقدانان (نصیری، ۱۳۶۴، ۲۱۱-۲۱۴)، به اجمال در این خصوص پرداخته اند ولی تعریف جامعی در این خصوص بیان نشده است. به رغم عدم ارائه تعاریف مشخص در حقوق آمریکا، اما با توجه به رویه قضایی و نظرات ضمنی برخی حقوقدانان آمریکا می توان مفهوم اصیل واقعی را چنین بیان نمود: اصیل واقعی، تأسیس حقوقی است که دادگاه ها بر مبنای انصاف و عدالت (Marcos, 1994:5) آن را بکار می برند و از این طریق اراده شخصی (شرکت مادر) را که در ماورای عمل حقوقی، خود را پنهان نموده و از طریق ابزارهای مدیریتی و اقتصادی، بر اراده انشایی شخص متعهد (اصیل ظاهری- شرکت تابعه) سلطه و اقتدار عرفی داشته را به آثار حاصله از آن عمل حقوقی در برابر اشخاص ثالث باحسن نیت ملزم نمود.

۲. پیشینه قاعده اصیل واقعی

در خصوص منشأ آغاز این قاعده، نظریات متعددی وجود دارد. بررسی های تاریخی نشان می دهد قاعده اصیل واقعی، ابتدا در نظام حقوقی انگلستان از طریق دادگاه های "انصاف" مطرح شده است (Stephen, 1993:101)، ولی به جهت عدم استقبال قضات



 دادگاه ها، قاعده مزبور در این کشور، توسعه ی زیادی پیدا نکرده است؛ در حقوق آمریکا، اگرچه سابقه طرح قاعده فوق همانند کشور انگلستان قدمت ندارد، اما به لحاظ کثرت دعاوی مطرح شده در دادگاه های آمریکا، می توان گفت که کشور آمریکا مهد اصلی قاعده مذکور است (Alexandra, 2016: 6). مبنای شکل گیری قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا وجود اصل مسئولیت محدود^۱ در شرکت های تجاری بود که تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشت. که این قاعده برای جلوگیری از سوء استفاده شرکت های مادر از شکل و قالب شرکت های تابعه تأسیس و متولد گردید. لذا، منشأ و تاریخچه قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا، به اوایل قرن بیستم بر می گردد (Alexander, 2017: 16). از این رو، اصطلاح اصیل واقعی در حقوق آمریکا، اولین بار در دادگاه عالی کالیفرنیا در سال ۱۹۲۱، در پرونده مینی فی علیه رولی^۲ مورد توجه قرار گرفت (Jennifer, 2007: 1). در این پرونده، دادگاه عناصر و شرایط قاعده اصیل واقعی را بیان کرد و سپس مورد توجه سایر دادگاه ها قرار گرفت و هم اکنون به بخش قابل توجهی از رویه محاکم آمریکا تبدیل شده است (Jennifer, 2007: 1). در حال حاضر آرای متعددی توسط دادگاه های ایالات مختلف به این قاعده اشاره کرده اند که به تدریج شرایط و قلمرو قاعده اصیل واقعی در رویه قضایی این کشور توسعه یافته است.^۳ در حوزه قانون گذاری در خصوص اصیل واقعی، تقریباً در قوانین موضوعه تمام ایالت های آمریکا، بحث "اصیل واقعی" مسکوت است. قانون نمونه شرکت های تجاری که قاعده مسئولیت محدود و موارد استثنائی آن را پیش بینی می کند،^۴ اشاره ای به قاعده مذکور نکرده است. در این نظام، راه حل مسئله، به رویه قضایی و صلاحدید قضات دادگاه ها محول شده است (Thompson, 1990: 1041). یکی از این پرونده ها که در ایالت تگزاس در اواخر دهه ۱۹۸۰ مبنای شناسایی این قاعده در این ایالت شد، پرونده کستلبری علیه برنسکام^۵ است که دادگاه در



1 Rule of limited liability

2 Minifie v. Rowley: 1921

3 In Associated Vendors, Inc., vs. Oakland Meat Company: 1962

4 Model Business Corporation Act § 6.22(b) (1985).

5 Castleberry v. Branscum: 1986



این پرونده شرایط اجرای قاعده اصیل واقعی را بیان نموده است (Alexander, 2017: 21-22). نظام حقوقی ایران برای اولین بار در پرونده " مشارکت ریدینگ و بیتز علیه شرکت ملی نفت ایران" با قاعده اصیل واقعی مواجه شد (شید و ایزانلو، ۱۳۹۶: ۲). تلاش های مشابه دیگری نیز برای اعمال قاعده اصیل واقعی و بستن باب تقلب در رویه قضایی صورت گرفته؛ با این وجود، با مطالعاتی که در پرونده های شعب بدوی و تجدیدنظر حقوقی به عمل آمد و مذاکراتی که با قضات شعب مختلف صورت گرفته، محاکم هنوز در این خصوص مردد هستند و اندک شواهدی از استقبال قضات دادگاه ها از این قاعده در دست می باشد. در واقع آن ها همین که ملاحظه کنند که خواهان یک رابطه فی المثل قراردادی با شرکت دارد، از رجوع مستقیم وی به شریک شرکت، بر مبنای قاعده استقلال شخصیت حقوقی خودداری می کنند. در قوانین و مقررات ایران از جمله قانون تجارت و لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که مهمترین منابع حقوق شرکت های تجاری ایران می باشند، نیز این قاعده شناخته نشده و سابقه ای از این قاعده در این مقررات وجود ندارد. لذا این آراء می توانند نقطه عطفی برای اعمال قاعده اصیل واقعی در رویه قضایی و تلاشی برای ورود این قاعده در حقوق ایران باشند.

۳. مقایسه قاعده اصیل واقعی با سایر عناوین مشابه

در این مبحث به مقایسه قاعده اصیل واقعی با مفهوم خرق حجاب شخصیت حقوقی، اصیل مخفی و مدیر سایه خواهیم پرداخت.

۱ دادگاه در این پرونده با طرح این سؤال که آیا دعوا متوجه شرکت ملی نفت ایران به عنوان یک اصیل واقعی است یا خیر؛ به این نتیجه رسید که شرکت ملی نفت ایران به لحاظ کنترلی که یر شرکت اسکو دارد اصیل واقعی در برابر خواهان و ملتزم به قرارداد است Reading & Bates Corporation: Reading & Bates Exploration: 1977.



۳-۱. خرق حجاب شخصیت حقوقی^۱



منظور از این قاعده، وضعیتی است که طلبکاران شرکت بتوانند در صورت کافی نبودن سرمایه شرکت، مسئولیت محدود شرکا را نادیده گرفته و برای استیفای مطالبات خود، به دارایی های شخصی آن ها رجوع کنند (Michael , Danial, 2015: 279). در حقوق آمریکا، دادگاه ها بین چهار دسته "خرق" تفاوت گذاشته اند: الف) خرق برای کشف ترکیب یک شرکت و کسب اطلاعات در مورد مدیران و سهامداران آن به منظور کنترل آن شرکت؛ ب) خرق به منظور تحمیل مسئولیت بر سهامداران و مدیران بخاطر اقدامات شرکت یا برای ایجاد منفعت مستقیمشان در دارایی های شرکت؛ ج) خرق به معنی در نظر گرفتن چندین شخصیت حقوقی مختلف به عنوان یک نهاد اقتصادی (سرمایه گذاری) یا یک گروه شرکتی، به طوری که تمام توجه به یک شخص حقوقی به جای تعدادی از اشخاص حقوقی باشد؛ د) شکل نهایی خرق حجاب هنگامی است که دادگاه معتقد است که این شرکت به دلایل تجاری یا دیگر زمینه های قانونی، تأسیس نشده است و هدف آن تنها گسترش ثقل، تضییع حقوق طلبکاران و نادیده گرفتن قواعد شرکتی است (Alexandra, 2016: 5-6). با عنایت به مراتب فوق، به نظر می رسد اولاً، رابطه بین مفهوم خرق حجاب و اصیل واقعی، عموم و خصوص مطلق می باشد؛ زیرا با توجه به دسته بندی فوق، مفهوم خرق حجاب عام تر از مفهوم اصیل واقعی بوده و مفهوم آن شامل هر چهار دسته نفوذ بیان شده، می شود. ولی اصیل واقعی تنها شامل دسته دوم و چهارم می شود؛ ثانیاً، خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت هم شامل اشخاص حقیقی می شود و هم شامل اشخاص حقوقی (Jordan, 2006: 373)، ولی قاعده اصیل واقعی غالباً در زمینه شرکت مادر و شرکت تابعه بکار می رود؛ ثالثاً، در حقوق آمریکا، خرق حجاب شخصیت حقوقی اغلب در مورد دیون غیرقراردادی کاربرد دارد، زیرا "... شخصی که به واسطه ی دین قراردادی متضرر شده است، با میل واراده با شرکت به انعقاد قرارداد پرداخته است و بدین خاطر، وی فرصت کافی جهت ارزیابی مخاطرات ناشی از طلب قراردادی، داشته





است" (فرجی، ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۸۱). ولی کاربرد عمده قاعده اصیل واقعی، در مورد دیون قراردادی است (Elizabeth, 2017:2, Nicholas, 2012:2).

۳-۲. اصیل مخفی^۱

اصیل مخفی، اصیلی است که بوسیله نماینده خود مخفی بماند یا اصیلی که طرف قرارداد متوجه نمی شود که نماینده از طرف او (اصیل مخفی) عمل می کند (Garner, 2009:1340). علی رغم مشابهت مفهوم اصیل مخفی و اصیل واقعی در ظاهر امر،^۲ این دو با یکدیگر متفاوت بوده و نمی توانند بجای یکدیگر بکار روند، زیرا اولاً؛ بین اصیل مخفی و نماینده وی، رابطه قراردادی نمایندگی وجود داشته که نماینده ملزم به انعقاد قرارداد از طرف اصیل و ذکر نام وی بوده که نام اصیل خود را افشاء نکرده است ولی در اصیل واقعی، جهت تحمیل مسئولیت به آن (اصیل واقعی)، رابطه قراردادی بین اصیل واقعی (شرکت مادر) و اصیل ظاهری (شرکت تابعه) وجود نداشته و دادگاه ها شخصی را که از قالب شرکت سوء استفاده کرده است را به عنوان اصیل تلقی می کنند. ثانیاً؛ اثر حقوقی اصیل مخفی آن است که نماینده، علی الاصول، شخصاً مسئول تعهدات در قبال اشخاص ثالث باحسن نیت طرف معامله می باشد زیرا در این مورد نماینده مجاز به انعقاد قرارداد از طرف خود نبوده و از جانب دیگری و به حساب او عمل کرده است که این امر سبب می شود خودش اصیل باشد (غلامی، ۱۳۸۸: ۵۴۶)، ولی در اصیل واقعی، آثار تعهدات به اصیل واقعی بعنوان کنترل کننده رابطه حقوقی (بین اصیل ظاهری و شخص ثالث) تسری می یابد، زیرا اصیل ظاهری بعنوان حجابی برای فرار تعهدات احتمالی اصیل واقعی بوده است. ثالثاً؛ در اصیل واقعی، برخلاف اصیل مخفی که با یک نماینده و یک اصیل افشاء نشده مواجه هستیم، دو اصیل وجود دارد یکی اصیل ظاهری و دومی اصیل واقعی.

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۹



1 Undisclosed Principal.

۲ برخی از نویسندگان حقوقی داخلی بدون توجه به تفاوت این دو مفهوم، این دو را به جای یکدیگر بکار برده اند.

۳-۳. مدیر سایه^۱

مدیر سایه، شخصی است که مدیران شرکت های تجاری به اقدام بر مبنای دستورهای وی عادت کرده اند، ولی مشارالیه به طور رسمی و قانونی به عنوان مدیر انتخاب و تعیین نمی شود (عیسائی تفرشی، رمضان آکردی، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۱۸-۱۱۹). مهمترین تفاوت بین مدیر سایه و اصیل واقعی عبارتند از: اولاً؛ مدیر سایه، مدیر قانونی محسوب نمی شود یعنی از طریق تشریفات قانونی انتخاب نمی شود؛ ثانیاً؛ برخلاف اصیل واقعی که از طریق تملک عملی سهام عمده شرکت دیگر، مدیریت آن شرکت را برعهده دارد، مدیر سایه، در واقع، مالک سهام عمده شرکت دیگر نیست و تنها مدیران شرکت تجاری به اقدام بر مبنای دستورهای وی عادت کرده اند؛ ثالثاً؛ ملاک اصلی شناسایی قاعده اصیل واقعی، سلطه و کنترل حقوقی اصیل واقعی بر اقدامات اصیل ظاهری است ولی "معیار اصلی شناسایی مدیر سایه، الگوی رفتاری این مدیر است" (عیسائی تفرشی، رمضان آکردی، ۱۳۹۲: ۱۱۹)؛ رابعاً؛ مدیر سایه بر خلاف اصیل واقعی، اجازه تنفیذ یا تصویب برخی معاملات ممنوعه شرکت با اشخاص ثالث را ندارد، زیرا مدیر قانونی محسوب نمی شود؛ خامساً؛ در برخی از نظام های حقوقی مانند ایران، نمی توان از مسئولیت شرکت مادر بر مبنای مدیر سایه صحبت کرد؛ زیرا به موجب قواعد عام مسئولیت مدنی، رابطه سببیت بین تصمیم مدیرسایه و ایجاد ضرر به موجب پذیرش تصمیم وی توسط مدیرقانونی قطع می شود" (رضائی، ۱۳۹۶: ۶۸).

۴. مبانی قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا

مبنای قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا، براساس این مسئله شکل گرفته است که چنانچه شرکت مادر، از شکل و قالب شرکت تابعه، به عنوان حجابی برای نیل به اهداف نامشروع خود و در نتیجه ورود ضرر به اشخاص ثالث استفاده کند؛ در چنین مواردی، آثار آن عمل حقوقی، بر طبق مبانی زیر، به شرکت مادر به عنوان اصیل واقعی و منتفع اصلی





قرارداد تسری می یابد. لذا با تأمل در منابع موجود و همچنین آراء قضایی، مبنای این قاعده را می توان عدالت، انصاف و حفظ حقوق اشخاص ثالث برشمرد که در ذیل به طور مختصر مورد بررسی قرار می گیرد:

۴-۱. عدالت^۱

نخستین مبنای قاعده اصیل واقعی را، عدالت تشکیل می دهد. بر مبنای عدالت، سهامداران نباید از شکل و قالب شخصیت حقوقی، سوء استفاده کنند. لذا، زمانی که از شکل و قالب شرکت برای اهداف غیرقانونی استفاده می شود، مراجع قضایی بر مبنای عدالت، شخصیت حقوقی شرکت تابعه را نادیده گرفته و حکم به مسئولیت شرکت مادر به عنوان اصیل واقعی می دهند (Elizabeth, 2017:5). دادگاه عالی کالیفرنیا در پرونده میشلر علیه شرکت مدیریت براگ^۲ بیان داشت که مبنای قاعده اصیل واقعی، "اجرای عدالت است و قالب شرکت، تنها زمانی که اهداف عدالت چنین ضرورتی را ایجاب کند، نادیده گرفته می شود".

۴-۲. انصاف^۳

یکی از مبنای پیدایش اصیل واقعی، قاعده انصاف بوده و حقوق آمریکا، بر این اساس، مانع سوء استفاده شرکت های مادر از قالب شرکت تابعه شده اند (Nicholas, 2012:1-2). در واقع، براساس این مبنا، سهامداران عمده شرکت حق ندارند از قالب شرکت، به عنوان حجابی برای فرار از مسئولیت یا برای اهداف تجاری غیرقانونی استفاده کنند. رویه قضایی آمریکا، در دعوی انجمن روهمر علیه روهمر^۴ بر مبنای انصاف، خواننده را به علت سلطه و کنترل بر شرکت زیرمجموعه خود، اصیل واقعی در مقابل طلبکاران قراردادی شرکت تلقی کرد و با نادیده گرفتن قالب شرکت، حکم به مسئولیت خواننده در برابر تعهدات قراردادی آن داد. بنابراین می توان گفت که، اصیل واقعی، یک وسیله جبران خسارت منصفانه برای



1 Justice
2 Mesler v. Bragg Management Company:1985
3 Equity
4 Rohmer Association V.Rohmer: 1993

جولوگیری از تقلب نسبت به شکل و قالب شرکت های مستقل در برابر ثالث باحسن نیت است (Jennifer, 2007:5).

۴-۳. حفظ حقوق اشخاص ثالث^۱

یکی دیگر از مبانی شکل گیری قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا، حفظ حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت است. بدین معنی که، شرکت مادر، اقدام به تشکیل شرکت های تابعه با سرمایه اندک کند و چون این شرکت ها زود منحل می شوند، برای شرکت مادر وسیله ای شوند تا بتوانند از مسئولیت های بوجود آمده فرار کنند و از این طریق حقوق اشخاص ثالث باحسن نیت در خطر افتد. بنابراین، همانطوری که برخی حقوقدانان آمریکا بیان نموده اند؛ شرکت مادر نمی تواند بر اساس این مبنا، از قالب شخصیت حقوقی مستقل شرکت تابعه برای ورود ضرر ناعادلانه به اشخاص ثالث باحسن نیت بهره برد (Marcos, 1994:8). در رویه قضایی آمریکای نیز، در دعوی موریس علیه وزارت امور مالی و مالیاتی^۲، حفظ حقوق اشخاص ثالث به عنوان مبنای مسئولیت اصیل واقعی بیان شده است. بنابراین، در صورتی که حجاب شخصیت حقوقی برای نقض حقوق اشخاص، توجیه عمل خلاف و حمایت از تقلب بکار رود، دادگاه ها، بر طبق مبانی فوق، شخصیت حقوقی مستقل آن را نادیده گرفته و شرکت مادر را اصیل واقعی و منتفع اصلی قراردادها در قبال اشخاص ثالث باحسن نیت تلقی خواهند کرد.^۳

۵. اجرای قاعده اصیل واقعی در حقوق شرکت های تجاری آمریکا

در این قسمت، شرایط اجرای این قاعده را از دو منظر دکترین حقوقی و رویه قضایی، مورد بررسی قرار خواهیم داد.



1 Maintaining the rights of third parties

2 Morris v. State Department of Taxation & Finance: 1993

3 United States V. Milwaukee Refrigerator Transit Co: 1906



۵-۱. دکتین حقوقی

یکی از مشهور ترین حقوقدانان آمریکایی، که در اوایل قرن بیستم (۱۹۳۱ میلادی)، این قاعده را بکار برده، فردریک جی پائول^۱ است. پائول برای اجرای این قاعده، چهار شرط کلی را ذکر کرده است که در ادامه، توسط نویسندگان حقوقی نیز با اندکی تفاوت این شرایط بکار برده شده است (Alexander, 2017: 16, Clark, 1986: 37). این شرایط عبارتند از: ۱) شرکت تابعه به عنوان وسیله و پوششی صرف،^۲ برای فرار مسئولیت حقوقی شرکت مادر عمل کند، ۲) اعمال تجاری شرکت تابعه به عنوان خود دیگری^۳ شرکت مادر لحاظ شود، به عبارت دیگر، اعمال تجاری دو شرکت، قابل تفکیک از یکدیگر نباشد؛^۴ ۳) شرکت مادر از طریق مالکیت عمده سهام یا از طریق سرمایه گذاری عمده در شرکت تابعه، بر این شرکت، سلطه و کنترل کامل داشته باشد؛^۴ ۴) شرکت تابعه تحت حمایت شدید مالی و اقتصادی شرکت مادر باشد، به طوری که قادر به پرداخت هزینه های جاری خود نباشد (Alexander, 2017: 16-17). برخی از حقوقدانان دیگر^۴ نیز بیان نمودند، علاوه بر اثبات تشکیل شرکت برای اهداف غیرقانونی، همچنین خواهان باید ثابت کند که شرکت تابعه، تحت سلطه و کنترل کامل شرکت مادر بوده و این سلطه و کنترل، برای اهداف و منافع آن شرکت و در نتیجه ورود ضرر ناعادلانه به ثالث باحسن نیت، مورد استفاده قرار گرفته است (Marcos, 1994: 8-9). بنابراین، می توان گفت که از منظر دکتین حقوقی، عنصر اصلی در اجرای قاعده اصیل واقعی، وجود رابطه نزدیک بین شخصیت حقوقی شرکت مادر و شرکت تابعه است، به نحوی که منجر به اطلاق کنترل کامل شرکت مادر بر شرکت تابعه شود و چنین کنترلی نیز موجب فریفتن اشخاص ثالث باحسن نیت طرف معامله و در نتیجه انجام اعمال حقوقی ناعادلانه گردد. البته در خصوص اعمال این قاعده، نمی توان یک نظریه کلی مطرح نمود و هر پرونده در موقعیت و شرایط و اوضاع و احوال خاص خود دیده می شود و دادگاه ها نیز، شرایط اجرای این قاعده را در



1 Fredrick J. Powell

2 Façade

3 Other self

4 Cathy S. Krendl and James R. Krendl

✱ خصوص هر پرونده جداگانه بررسی می کنند (Jennifer, 2007:5) که در ادامه به این موارد اشاره می شود.

۵-۲. رویه قضایی

علت اینکه شرایط اجرای این قاعده در رویه قضایی ایالات مختلف آمریکا، به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد این است که، این قاعده، اساساً زاده ی تلاش دادگاه های آمریکا بوده و این دادگاه ها، برای شرایط اعمال این قاعده، اغلب، معیارهای متفاوتی را بکار برده اند که بعد از آن توسط دکتترین حقوقی نیز توسعه یافته است. لذا در این بند، رویه قضایی آمریکا در برخی از ایالات بررسی می شود.

۵-۲-۱. ایالت کالیفرنیا

محاکم کالیفرنیا، سه شرط کلی برای اجرای قاعده اصیل واقعی ذکر کرده اند: (۱) وحدت منفعت و مالکیت بین شرکت و شرکا (سهامداران) به گونه ای که شخصیت جداگانه شرکت و سهامداران آن نادیده گرفته شود؛ (۲) نتایج ناعادلانه از انتساب عمل به شرکت حاصل شود (Jennifer, 2007:1, Robert and Others, 2018:5)؛ (۳) شرکت مادر بر شرکت تابعه سلطه و کنترل مؤثر داشته باشد. با این وجود، برخی از محاکم این ایالت، کنترل را بعنوان بخشی از معیار اول یعنی "وحدت مالکیت و منفعت" در نظر می گیرند (Alexandra, 2016:7). "سلطه و کنترل" که از طریق مالکیت سهام و مدیریت شرکت اعمال می شود، مبتنی بر اوضاع و احوالی است که اگر این عوامل وجود داشته باشند، دادگاه می تواند به وجود اصیل واقعی، در رابطه شرکت مادر و شرکت تابعه پی ببرد. این عوامل عبارتند از: (۱) بی توجهی به شرایط قانونی تشکیل شرکت؛ (۲) سرمایه ناکافی؛ (۳) درهم آمیختن وجوه و دارایی دو شرکت وعدم تخصیص بودجه برای شرکت تابعه؛ (۴) تملک عمده شرکت تابعه توسط شرکت مادر (Nicholas, 2012:2). در دعوی ماسون علیه شرکت شبکه ویلمنتون، دادگاه، شخصیت حقوقی شرکت را براساس دو عنصر "وحدت مالکیت" و "ناعادلانه بودن اقدامات شرکت"، نادیده گرفت و حکم به





مسئولیت شرکت مادر به عنوان اصیل واقعی سهامداران داد. بنابراین در این ایالت، عنصر اصلی در شناسایی اصیل واقعی، سلطه و کنترل مؤثر است به طوری که تصور وجود شخصیت حقوقی مستقل برای شرکت تابعه را منتفی سازد و آن را به مثابه ی "ابزار و آلت دست" شرکت مادر قرار دهد.

۵-۲-۲. ایالت آریزونا

در این ایالت دو شرط کلی برای اجرای قاعده اصیل واقعی بیان شده است: (۱) شرکت مادر نه تنها کنترل و نفوذ قابل توجهی را بر شرکت تابعه داشته باشد، بلکه به شیوه ای عمل کند که تمایز بین منافع شخصی شرکت مادر و شرکت تابعه غیرممکن باشد؛ (۲) منافع شرکت مادر و شرکت تابعه به گونه ای واضح باشد که دسته بندی آنها به صورت جداگانه، تقلب را تسهیل کند (Michael, Danial, 2015: 279). دادگاه ایالت آریزونا، در پرونده مارتین علیه فریمن^۱ از عوامل فوق برای اجرای قاعده اصیل واقعی استفاده کرده است (Michael, Danial, 2015: 279). لذا، در این ایالت، برای اجرای قاعده اصیل واقعی، علاوه بر معیار کنترل، به اختلاط منافع شخصی شرکت مادر و تابعه نیز توجه داشته اند.

۵-۲-۳. ایالت نیویورک

در رویه قضایی ایالت نیویورک، معیار مهم برای اجرای قاعده اصیل واقعی، معیار "سلطه و کنترل کامل" است. بدین صورت که اولاً، شرکت مادر آنچنان سلطه و کنترلی بر شرکت تابعه داشته باشد که شخصیت حقوقی مستقل آن نادیده گرفته شود؛ ثانیاً، این سلطه و کنترل برای ارتکاب تقلب، تقصیر، یا هر عمل ناعادلانه ی دیگری مورد استفاده قرار گیرد؛ ثالثاً، نتیجه این سلطه و کنترل، وجود ضرر و زیان ناعادلانه به زیاننده باشد (Marcos, 1994: 12). البته برخی محاکم، علاوه بر معیار "کنترل"، معیارهای دیگری را نیز برای اجرای این قاعده ذکر کرده اند که شرکت تابعه را صرفنظر از شخصیت حقوقی مستقل آن، در حد یک وسیله، در جهت منافع شرکت مادر، تنزل می دهد. این معیارها عبارتند از: (۱) شرکت تابعه، تشریفات شرکت مادر (از قبیل نگهداری و تنظیم



صورت جلسات و دفتر ثبت سهام) را رعایت نکند؛ ۲) عدم سرمایه کافی؛ ۳) هم‌پوشانی در مالکیت، کارمندان، مدیران و خدمه دو شرکت؛ ۴) پرداخت یا تضمین دیون شرکت تحت تسلط توسط شرکت دیگر در گروه شرکتی (Edward, 2015: 5). در پرونده ترابوسو علیه انتسیا سانپائولو^۱ کنترل شرکت تابعه توسط شرکت مادر و تملک کسب و کار آن، معیار اجرای قاعده اصیل واقعی در این ایالت بیان شده است (Edward, 2015: 4). با تدقیق در معیارهای فوق، این نتیجه بدست می‌آید که رویه واحدی بین محاکم ایالات متحده وجود نداشته و رویه قضایی آمریکا، به طور کلی سه شرط "سلطه و کنترل"، "وحدت مالکیت و منفعت بین شرکت مادر و شرکت تابعه" و "انتساب نتایج ناعادلانه به شرکت مادر" را از شروط اساسی اجرای قاعده اصیل واقعی در این کشور ذکر کرده اند که "حسن نیت ثالث طرف معامله" هم توسط حقوقدانان وارد رویه قضایی این کشور شده است که قضات دادگاه ها می توانند هر یک از معیارهای فوق را، با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده احراز کنند. بدیهی است برای اجرای قاعده اصیل واقعی جهت تعمیم آثار قرارداد به آن، اجتماع شروط فوق به صورت همزمان نیاز نیست، بلکه تاحدی مورد توجه است که موجب سیطره کامل شرکت مادر بر شرکت تابعه و کشف سمت شرکت مادر بعنوان اصیل واقعی شود. بعنوان مثال در پرونده مینی فی علیه رولی^۲، قاضی رسیدگی کننده دو شرط الف) وحدت منفعت و مالکیت و ب) انتساب نتایج ناعادلانه به شرکت را، برای تعمیم مسئولیت به شرکت مادر (اصیل واقعی) در قبال اشخاص ثالث بکار برده است. (Jennifer, 2007: 5). لذا چنانچه شرایط اجرای این قاعده فراهم باشد، خواهان، دیگر نیازی به درخواست انحلال یا بی اعتباری شرکت تابعه ندارد، بلکه تنها وجود شرکت تابعه در برابر ثالث نادیده گرفته شده، شرکت مادر، اصیل واقعی شرکت تابعه و مسئول تعهدات آن در مقابل اشخاص ثالث باحسن نیت می شود. شایان ذکر است که قاعده اصیل واقعی، قاعده ای استثنائی و اعمال آن منوط به شرایط خاصی است که با توجه به خلاف اصل و استثنائی بودن این قاعده، دادگاه ها در صورتی دین و یا تعهد شرکت را به شرکت مادر به

اجرای قاعده اصیل واقعی در شرکت های مادر و تابعه: مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا، ژانویه ۱۳۹۵





عنوان اصیل واقعی تحمیل می کنند که به این نتیجه برسند که شخصیت حقوقی فرضی مقنن، در قضیه ی مطروحه واقعاً وجود ندارد و شرکت صرفاً به عنوان وسیله و آلت دستی برای رسیدن به هدف های نامشروع و غیرقانونی است.

۶. اجرای قاعده اصیل واقعی در فقه، حقوق و رویه قضایی ایران

در فقه و حقوق ایران، مقرر ای که به نحو صریح از قاعده اصیل واقعی صحبت کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، باتوجه به اصل (۱۶۷) قانون اساسی و ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی، با استناد به اصول و مبانی فقهی و حقوقی می توان با تحقق شرایطی، این قاعده را اجرا کرد. لذا اجرای قاعده اصیل واقعی را از سه منظر فقه، حقوق و رویه قضایی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۶-۱. از منظر فقهی

قاعده لاضرر، قاعده غرور و قاعده من له الغنم فعلیه الغرم در فقه، نتایجی مشابه قاعده اصیل واقعی را به همراه دارد.

۶-۱-۱. قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند معاملات به آن استناد می شود، قاعده لاضرر است و مضمون آن این است که ضرر در اسلام مشروعیت نداشته و هرگونه ضرر و اضرار در اسلام نفی شده است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۷۸). منشأ این فکر که از حدیث نبوی "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" گرفته شده است (خویی، ۱۴۱۷: ۵۱۸)، قلمرویی وسیع تر از مسئله "سوء استفاده از حق" دارد و فقیهان اسلامی از آن، به عنوان حکم ثانوی و محدود کننده استفاده کرده اند تا هر جا ضرری نامشروع و نامتناسب از احکام ناشی شود از آن پرهیز کنند. پس هرگونه ضرری که به واسطه وجود حکم ضرری و یا بنا بر نظر اکثر فقهای متأخر، ضرر از عدم وجود حکم معین در موضوعی به بار آید یا مستعد به بار آمدن باشد، را می توان با تمسک به این قاعده نفی نمود (آخوند خراسانی، ۱۳۷۲: ۳۸۱). به همین دلیل اگر قالب شرکت های تجاری (مادر) با دربرداشتن شخصیت حقوقی مستقل از تشکیل دهندگان خود و اختیارات لازم برای



☆ هدایت شرکت های زیرمجموعه (تابعه) از طریق تملک عمده سهام آن ها، موجبات سوء استفاده شرکاء و در آخر تضررات ثالث را فراهم آورد، می توان زمانی که در این خصوص با خلاء قانونی مواجه هستیم با استناد به قاعده لاضرر به عنوان قاعده ای مسلم و اجماعی در فقه و حقوق از بروز این تضررات جلوگیری نماییم. اما باید توجه داشت که بار اثبات قصد اضرار به عهده مدعی است و صرف ورود زیان به طلبکاران قراردادی شرکت تابعه، نمی تواند به معنای قصد اضرار شرکت مادر باشد تا بتوان این زیان را مطالبه نمود.

۶-۱-۲. قاعده غرور

مفاد "قاعده اصیل واقعی" را می توان در مدلول قاعده "غرور" در فقه امامیه جستجو کرد. بدین معنی که، هرکس دیگری را به امری مغرور کند و از این راه زیانی به او برساند، ضامن جبران خسارت است (المغرور یرجع الی من غره) (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۱۶). لذا زمانی که شرکت مادر برای فرار از مسئولیت حقوقی و با سوء استفاده از قالب شرکت ها، اقدام به تشکیل شرکت تابعه صوری کرده و از طریق این شرکت صوری، اقدام به معاملاتی با اشخاص ثالث با حسن نیت می کند، در چنین وضعیتی، اشخاص ثالث که از واقع آگاه نبوده، می توانند به شخص غار (شرکت مادر) که چنین وضعیتی را ایجاد کرده است، رجوع کنند. این قاعده، همانند قاعده اصیل واقعی که تنها در مورد اشخاص ثالث باحسن نیت اعمال می شود، تنها زمانی قابل استناد است که شخص فریب خورده، جاهل به واقعیت امر باشد (شفیعی علویجه، ۱۳۸۸: ۸۸). البته برخی نویسندگان اعتقاد دارند که آگاهی طرف معامله نسبت به جایگاه اصیل واقعی در قرارداد، موجب سقوط حق رجوع وی به اصیل مذکور نمی شود بلکه این اطلاع و آگاهی، مزیتی است که طرف معامله را از تکلیف اثبات تسلط شرکت مادر بر شرکت تابعه معاف خواهد کرد (شید، ایزانلو، ۱۳۹۶: ۱۹۹). این نظر قابل نقد بنظر می رسد چرا که اولاً، با مبانی قاعده اصیل واقعی در تعارض است؛ ثانیاً، حق وی با مبانی دیگری از جمله قاعده اقدام از بین رفته است، زیرا قاعده اقدام در فقه و حقوق اسلامی از عوامل سقوط ضمان است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵: ۲۵) و طرف قرارداد نمی تواند هنگامی که اقدام به ضرر خود می کند انتظار جبران خسارت از





طرف دیگر را داشته باشد؛ ثالثاً؛ با توجه به خلاف اصل و استثنائی بودن قاعده اصیل واقعی، شناسایی این قاعده باید بصورت مضیق و محدود انجام شود.

۳-۱-۶. قاعده من له الغنم فعليه الغرم

معنای قاعده، تلازم میان خسارت و فائده می باشد (شیخ انصاری، ۱۴۲۳: ۲۳۸)؛ بدین معنی که، هر کسی که فوائد مال شرعاً برای اوست، خسارت آن مال نیز برعهده او خواهد بود (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۳۸)؛ حال فرقی نمی کند که عمل او خطرناک باشد و یا یک عمل مشروعی همچون خریداری و حضور در شرکت دیگر به عنوان سهامدار عمده بوده باشد (پوزاد، ۱۳۹۶: ۶۰-۵۸). قاعده اصیل واقعی نیز بر این امر تأکید دارد که منتفع اصلی قرارداد (اصیل واقعی)، مسئول اجرای تعهدات آن نیز باشد و خود را در ورای حجاب شخصیت حقوقی شرکت پنهان نکند. لذا، با توجه به مفهوم شرکت مادر و شرکت تابعه و اینکه شرکت مادر، مالک سهام عمده و تعیین کننده سیاست های کلی شرکت های تابعه است و از این طریق سود فعالیت های آن به شرکت مادر می رسد، بنابراین، در حقوق ایران، قاعده الغنم را می توان با قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا تطبیق داد؛ زیرا یکی از شرایط اصیل واقعی این است که شرکت مادر (اصیل واقعی)، کنترل و مدیریت شرکت تابعه را بر عهده داشته باشد و از این طریق، سود ببرد. این امر، همان چیزی است که قاعده الغنم نیز بر آن تأکید دارد.

۲-۶. از منظر حقوقی

نهادهایی که کارکردی مشابه با قاعده اصیل واقعی در حقوق ایران دارند عبارتند از: قاعده منع تقلب، نظریه نمایندگی، قاعده تسبیب و نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی، که در چهار بند جداگانه بررسی می شوند.

۱-۲-۶. قاعده منع تقلب

حقوق شرکت ها در ایران، یکی از زمینه هایی است که در آن شیوه های مختلف سوء استفاده و تقلب رواج دارد (شهبازی نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۴). تقلب در حوزه شرکت ها، دو صورت دارد؛ اول اینکه از ابتدا قصد تشکیل شرکت وجود نداشته و شرکت به طور صوری تشکیل شده است؛ حالت دوم زمانی که شرکت به طور صحیح تشکیل شده ولی





انگیزه تشکیل شرکت دور زدن قانون و تقلب نسبت به آن است. در حقوق ایران، حالت اول ضمانت اجرای مشخصی دارد؛ یعنی چنانچه ثابت شود که شرکت مادر، به طور صوری شرکت تابعه را تشکیل داده و قصد واقعی مبنی بر تشکیل آن نداشته است، آن شرکت باطل و شرکت مادر مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۲۵۴). در حالت دوم، شرکت مادر با استفاده از قوانین و فقدان ضمانت اجرا در برخی موارد، و یا بر حسب حقی که بر اساس اختیارات و رأی بیشتر برای شرکت مادر بوجود می آید (قاعده اکثریت)، دست به اقدامات و تصمیماتی زند که در راستای منافع آن ها بوده و از این طریق، از این قوانین سوء استفاده کند؛ یعنی زمانی که شرکت به نحو صحیح تشکیل شده است اما با توجه به محدود بودن مسئولیت و در جهت افزایش سود مجموعه، برخی شرکت ها تصمیمات زیانده اتخاذ کنند، می توان با توجه به قاعده منع تقلب نسبت به قانون، شخصیت حقوقی شرکت تابعه را نادیده گرفت و شرکت مادر را مسئول قلمداد کرد. در واقع، شرکت مادر، از مفهوم شرکت و اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود آن، سوء استفاده کرده و این امکان را برای شرکت مادر فراهم می آورد تا از شرکت های تابعه و به طور خاص، قاعده مسئولیت محدود، استفاده متقلبانه نموده، با مخفی شدن در پشت حجاب شخصیت حقوقی مستقل شرکت، از این قالب سوء استفاده نماید (میرزایی امغانی، ۱۳۹۵: ۸۰). بنابراین، از بررسی موارد فوق می توان بدین نتیجه رسید که اصل استقلال شخصیت حقوقی یک اصل بدون استثناء نیست و می توان در مواردی بر آن استثنائاتی بار کرد، یعنی چنانچه انگیزه متقلبانه شرکای شرکت در تشکیل شرکت و سوء استفاده از اصل استقلال شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود شرکا محرز شود، می توان بر اساس قاعده فوق، مانع نفوذ اقدامات متقلبانه آن ها شد.

۶-۲-۲. نظریه نمایندگی (قسمت اخیر ماده ۱۹۶ قانون مدنی)

با توجه به صدر ماده (۱۹۶) قانون مدنی، متعهد دانستن شخصی غیر از شرکت تابعه (به عنوان طرف قرارداد)، علی رغم پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت ها، ناقض اصل نسبی بودن قراردادهاست. مقنن در قسمت اخیر ماده مذکور مقرر می دارد "... مگر اینکه در موقع عقد، خلاف آن را تصریح نماید یا بعد، خلاف آن ثابت شود ...". لذا اثبات





نماینده‌گی همیشه ممکن است و هر یک از نماینده، اصیل و طرف قرارداد که ذینفع باشد می‌تواند پس از اثبات وجود نمایندگی، اطراف رابطه نسبیت (نسبی بودن قرارداد) را تغییر دهد (فیضی چکاب، ۱۳۷۴: ۴۶). اگرچه "قانون گذار در ظاهر امر، متعرض فرضی نشده است که شخص نیابت خود را هنگام انعقاد قرارداد اعلام کند، لکن در صورت اثبات اینکه قرارداد را برای خود منعقد نموده به نظر نمی‌رسد مانعی برای رجوع به اصیل واقعی (بعنوان منعقدکننده قرارداد) در این فرض باشد (میرزایی امغانی، ۱۳۹۵: ۸۶-۸۵). بنابراین، نظریه نمایندگی بین شرکت مادر و شرکت تابعه را می‌توان بر مبنای یک رابطه قراردادی تحلیل نمود که شرکت مادر (مالک)، شرکت تابعه را به عنوان نماینده و مدیر استخدام می‌کند تا وظایف او را انجام دهد و در نتیجه، مدیر (شرکت تابعه) به عنوان نماینده مالک (شرکت مادر) فعالیت کرده و اهداف تجاری آن را دنبال می‌کند و مسئولیت‌های اقدامات نماینده بر عهده منوب عنه (شرکت مادر) قرار می‌گیرد. البته، محاکم می‌توانند اوضاع و احوال زیر را برای اثبات نمایندگی (اصیل واقعی) در پرونده‌ها مدنظر قرار دهند: ۱) سیطره و تسلط حقوقی شرکت مادر بر اراده شخص متعاقد (شرکت تابعه) و در نتیجه قصد انجام معامله برای آن؛ ۲) تسری آثار عقد به شرکت مادر بعنوان منتفع اصلی قرارداد و تلقی سود شرکت تابعه برای شرکت مادر؛ ۳) پرداخت عوض معامله توسط شرکت مادر و نظایر آن.

۶-۲-۳. قاعده تسبیب

تسبیب در مقابل مباشرت، اصطلاحی در فقه و از مصادیق اتلاف است (نجفی، ۱۴۳۰: ۳۶) در آخرین تحولات قانونگذاری، ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد "هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تاثیر رفتار مرتکبان



۱ چنین دیدگاهی به طور محدود در رویه قضایی ایران نیز پذیرفته شده است (شعبات ۱۶ و ۳۳ دادگاه‌های حقوقی تهران در پرونده‌های کلاسه ۱۳/۱۶/۸۷ و ۹۴۵/۳۱)

متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تاثیر رفتارشان مسوول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است".

این ماده که یک نوآوری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، هر چند در باب جنایات ذکر گردیده است، ولی با توجه به یکسان بودن قواعد و احکام اتلاف مال و اتلاف جان و عضو، در خصوص مسئولیت مدنی به طور عام نیز صادق است که در نتیجه باید قائل به نسخ ماده (۳۳۲) قانون مدنی^۱ به وسیله ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی شویم (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸: ۱۳۰). البته منظور از این بحث، بازگشت به قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، بلکه مقصود این است که شرکت مادر به واسطه کنترل خود و راهکارهایی که به مدیران منتخب خود جهت افزایش سود کل گروه می دهد، موجب ایجاد تعهدات اضافی برای شرکت های تابعه شود. لذا با توجه به ذیل ماده ی مذکور، و بیان عبارت " و مانند آنها باشد" که غیر حصری بودن اسباب مذکور در این ماده را اعلام داشته است (امینی، عنایت تبار، ۱۳۹۷: ۱۰)؛ در صورتی که شرکت تابعه (اکثریت مدیران) طبق دستورات و تحت نظارت شرکت مادر، عمل حقوقی را منعقد کند یا خسارتی را به اشخاص ثالث وارد کند به گونه ای که نتوان اختیار و تاثیری برای شرکت تابعه متصور شد، شرکت مادر را می توان بر طبق قاعده " تسبیب" مسئول دانست، زیرا شرکت تابعه بعنوان مباشر عمل حقوقی یا خسارت، تحت سلطه یا کنترل مؤثر شرکت مادر بوده و رابطه علیت بین فعل زیانبار شرکت تابعه و ضرر بوجود آمده قطع شده است. اما آنچه به عنوان مسئله ی مهم در قسمت پایانی ماده ۵۲۶ مذکور آمده، مسئولیت سبب و مباشر به نسبت تأثیر مداخله ی آن ها (ضمان سهمی) است. لذا در فرضی که اثبات شود اقدام شرکت تابعه

اجرای قاعده اصل و تاقی در شرکت های مادر، ملاحظه لطیفه حقوق امریکا نشانه حقوق ایران

۱ " هرگاه یک نفر سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد بنحوی که عرفاً اتلاف مستند به وی باشد".

۲ برای دیدن نظر مخالف که معتقدند ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، خاص جنایات بوده و هیچ تعارضی با ماده ۳۳۲ قانون مدنی ندارد رجوع شود به (امین پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۷).





نیز در ورود خسارت موثر بوده است، با استناد به ماده (۵۲۶) قانون مجازات اسلامی و اصول حقوقی می توان گفت شرکت مادر و تابعه هر کدام به میزان تاثیر در ورود خسارت مسئولیت خواهند داشت.

۶-۲-۴. نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی

یکی از قواعدی که در حقوق ایران، نتیجه مشابه اصیل واقعی در حقوق آمریکا دارد، نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی است که در قالب و مفهوم «استناد ناپذیری» توسط برخی از نویسندگان مطرح شده است. استناد ناپذیری یا عدم قابلیت استناد، وضعیت عمل حقوقی است که ارکان داخلی آن کامل است به همین دلیل هم میان طرفین اعتبار دارد، منتها چون قواعد حامی حقوق اشخاص ثالث را نقض کرده در برابر آنان بی اعتبار است. (ایزانلو و شریعتی نسب، ۱۳۹۱: ۱۱) از این رو، ممکن است دو شخص که دارای شخصیت مستقل دارند، به سبب رابطه خاصی که بین آنها برقرار است، اقدامات یکی از آنها برای دیگری موجب مسئولیت گردد. در قانون تجارت، برخی از مواد مبین همین موضوع است. توضیحاً معروض می دارد مطابق قاعده عمومی نمایندگی یا وکالت، اقدامات مدیران شرکت، در صورتی موجب مسئولیت برای شرکت می شود که در حدود اختیارات قانونی تفویض شده باشد. اما به موجب ماده (۱۱۸) لایحه اصلاحی قانون تجارت، مقنن برای حمایت از ثالث، ضمن نقض این قاعده عمومی، اقدامات مدیران در چارچوب موضوع شرکت را هرچند برخلاف اساسنامه یا تصمیم مجمع عمومی هم باشد، در مقابل شخص ثالث معتبر تلقی کرده است. به واقع، مقنن در تضمین اعتبار اعمال حقوقی شرکت و در جهت جلوگیری از آثار زیان بار ناشی از مناسبات داخلی شرکت با مدیران و نیز در برابر نقض مقررات اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی و قراردادهای مدیران با شرکت، به نفع و حمایت از اشخاص ثالث اقدام نموده است. (پاسبان، ۱۳۸۹: ۱۴۴). همین مبنا در رابطه شرکت مادر و شرکت های تابعه آن نیز جاری است. بنابراین با توجه به قواعد و مقررات فوق می توان نظریه «استقلال نسبی شخصیت حقوقی» را مطرح کرد. بدین معنی که در بسیاری از موارد شرکت مادر و شرکت تابعه نسبت به یکدیگر اصولاً دارای استقلال می باشند، اما به دلایلی مثل حفظ حقوق اشخاص ثالث باحسن نیت، کنترل موثر و



تملک عمده سهام شرکت تابعه، منع سوء استفاده از حق و غیره، این استقلال در مقابل اشخاص ثالث باحسن نیت قابل استناد نمی‌باشد. لذا یکی از مواردی که حقوق اشخاص ثالث باحسن نیت نقض می‌شود موردی است که شرکت مادر از طریق کنترل مؤثر و تملک سهام عمده شرکت دیگر (بیش از پنجاه درصد یا از طریق انتخاب هیئت مدیره) و با ایجاد شرکت‌های فرعی و اقماری برای فرار از مسئولیت‌های قراردادی، شرکت‌های فرعی تشکیل می‌دهند. بنابراین، با توجه به قواعد و مقررات حقوقی و تعریف شرکت مادر تابعه، در صورتی که کنترل مؤثر شرکت تابعه در اختیار شرکت مادر باشد و شرکت مادر در تعیین خط مشی و تصمیم‌گیری‌ها نقش اساسی داشته باشد، براساس نظریه مذکور، استقلال شخصیت حقوقی شرکت مادر نسبت به شرکت تابعه در برابر ثالث طرف معامله نادیده گرفته شده و شرکت مادر مسئول انجام تعهدات قراردادی طرف معامله واقع می‌شود و طرف معامله نیز می‌تواند به شرکت مادر به عنوان اصیل واقعی رجوع کند.

۳-۶. رویه قضایی

شعبه ۳۵ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان تهران، در دادنامه شماره ی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۹۵۰۰۹۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۸، که شرکت "ص.ب.ا" به عنوان خواهان با وکالت آقایان "ع.ا" و "ق.ق" به طرفیت شخص حقیقی "ح.ت" بعنوان مدیر شرکت و شخصیت حقوقی "شرکت ت.پ" بعنوان خواندگان، به خواسته مطالبه وجه و خسارات دادرسی مطرح نموده است، از قاعده اصیل واقعی برای محکومیت خواندگان استفاده کرده است. دادگاه در این پرونده چنین استدلال کرده است "اگرچه شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضای و مدیران آن مستقل است و به لحاظ همین استقلال شخصیت حقوقی شرکت می‌تواند دارای حق و تکلیف شود و ... لکن هرگاه اقدامات و اعمال حقوقی که شخص حقوقی (شرکت) زیر نظر دیگری انجام می‌دهد ناشی از اراده کنترل کننده است نتیجه گرفته می‌شود که در واقع طرف قرارداد یا اصیل واقعی کنترل کننده است و می‌بایست قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و مسئولیت را بر اصیل واقعی تحمیل کرد و این نظریه ... براساس قاعده تقلب نسبت به قانون و جلوگیری از سوء استفاده از حق قابل استنباط و اجرا است...". اگرچه در این پرونده، استقلال





شخصیت حقوقی، بین شرکت بعنوان شخص حقوقی و خواننده ردیف اول بعنوان شخص حقیقی نادیده گرفته شده است، ولی در حقوق ایران نیز گفته شده است که "این استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شرکا، در خصوص دو شرکت هم صادق است. یعنی در صورتی که بتوان بر اساس معیارها، یک شرکت را مادر و شرکت دیگر را وابسته تلقی کرد، در این صورت هر کدام دارای شخصیت حقوقی مستقل خواهند بود" (رضائی، ۱۳۹۶: ۶۱). دادگاه در این رأی، با استعانت از معیار "سلطه و کنترل مؤثر" و براساس مبانی فقهی و حقوقی منع تقلب و سوء استفاده از حق، قاعده ای مشابه قاعده اصیل واقعی در حقوق آمریکا ارائه نموده و منتفع اصلی فعالیت شرکت را در قبال تعهدات آن مسئول دانسته، حکم به محکومیت وی داده است. اوضاع و احوال اثبات کننده ی اصیل واقعی در این پرونده عبارتند از: سلطه و کنترل مؤثر مدیر (خواننده ردیف اول) بر شخص حقوقی (خواننده ردیف اول)؛ ارتباط مستمر و طولانی خواهان یعنی شرکت "ص.ب.ا" با شرکت "ت پ" (خواننده ردیف دوم) و انعقاد تمام معاملات بین این دو شرکت از طریق مدیر (خواننده ردیف اول)؛ مدیریت و اداره اعمال و اقدامات حقوقی شرکت "ت.پ" توسط مدیر آن؛ استفاده از شرکت به عنوان یک وسیله و ابزار برای انجام تجارت شخصی مدیر آن؛ دادن ثمن معامله (صدور چک تضمینی) توسط خواننده ردیف اول (مدیر) به عنوان منتفع اصلی قرارداد. دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز در رأی شماره ۱۰۱۷۱۷ مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ رأی دادگاه بدوی را با همان استدلال تأیید و ابرام نمود. همچنین، شعبات ۱۶ و ۳۳ دادگاه های حقوقی تهران در پرونده های کلاسه ۱۳/۱۶/۸۷ و ۹۴۵/۳۱ بدون اینکه به قاعده اصیل واقعی اشاره کنند، با این استدلال که شرکت، نماینده اشخاص در مقابل اشخاص ثالث بوده است، با نادیده گرفتن شخصیت مستقل حقوقی آن، حکم به محکومیت اشخاص خارج از شرکت بابت تعهدات آن داده اند. بنابراین، محاکم می توانند به استناد قواعد فقهی و حقوقی از جمله قاعده لاضرر و منع تقلب و همچنین، ماده (۱۴۳) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ در موارد استثنائی، از طریق رویه قضایی، قاعده اصیل واقعی را اعمال نمایند؛ که در این صورت، بدون اینکه مراحل مربوط به اثبات بطلان شرکت سپری شود و به صرف اثبات استفاده ابزاری از





شرکت، شرکت مادر به جهت تخلف از مقررات قانونی، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث خواهد بود. این آراء از آن جهت قابل توجه می باشند که می توان آن ها را نقطه عطفی در مفهوم شخصیت حقوقی مستقل شرکت و اعمال قاعده اصیل واقعی و تلاشی برای نظریه پردازی در زمینه حقوق شرکت ها جهت نیل به عدالت و منع تقلب نسبت به قانون دانست.

نتیجه گیری

نیازهای اقتصادی و تجاری جهان امروز، منجر به پیدایش شرکت هایی تحت عنوان شرکت مادر و تابعه شده است. این دو شرکت، که از طریق حلقه های مدیریتی و اقتصادی، با یکدیگر مرتبط می باشند، بعد از تشکیل، دارای شخصیت حقوقی مجزا، با تعهدات و مسئولیت های مستقل می شوند. لذا متعهد دانستن شرکت مادر در برابر شرکت تابعه، با وجود پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای آن، خلاف اصل نسبی بودن قراردادهاست. نظام حقوقی آمریکا، با تأسیس قاعده اصیل واقعی، و تحت شرایطی خاصی مانند "سلطه و کنترل مؤثر شرکت مادر بر اقدامات شرکت تابعه"، "وحدت مالکیت و منفعت" و "ناعادلانه بودن اقدامات شرکت"، مانع سوء استفاده شرکت مادر از قالب شرکت های تابعه شده اند. در واقع اساس پیدایش این قاعده، بر این اندیشه ی منطقی استوار است که مطلق انگاشتن قاعده مسئولیت محدود و اجرای بی قید و شرط آن، در برخی موارد منجر به نتایج ناعادلانه خواهد شد. بعبارت دیگر، بر مبنای قاعده ی مسئولیت محدود، فرض بر عدم مسئولیت شرکت مادر در قبال دیون و تعهدات شرکت تابعه است ولی در مواردی عملکرد و نحوه ی استفاده شرکت مادر از شرکت تابعه به گونه ای است که دادگاه ها، استثنائاً قاعده اولیه را نادیده گرفته و حکم به ایفای دیون و تعهدات شرکت از محل اموال و دارایی شرکت مادر بعنوان اصیل واقعی می دهند. لذا، جایی که چنین رابطه ای احراز شود، قاعده ی مذکور اعمال شده و اصیل واقعی را باید ملتزم به قرارداد دانست؛ زیرا او، منتفع اصلی قرارداد بین شرکت تابعه و اشخاص ثالث طرف معامله بوده و شرکت تابعه، صرفاً پوششی برای فرار مسئولیت حقوقی او در قبال اشخاص ثالث باحسن





نیت عمل کرده است. در ایران هر چند تلاش هایی جهت ورود این قاعده به نظام حقوقی ایران شده است ولی موفقیت آمیز نبوده است. دلیل آن را نیز می توان پذیرش اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت ها و مسئولیت محدود آن و همچنین اصل نسبی بودن قراردادها شمرد. ولی از آنجا که اصل آزادی افراد در تأسیس شرکت های تجاری در حقوق ایران حاکم می باشد، لذا نیاز به این قاعده احساس می شود. بنابراین، با کنکاش در مبانی فقهی و حقوقی موجود از جمله قاعده لاضرر، منع تقلب، نظریه نمایندگی، نظریه استقلال نسبی شخصیت حقوقی، قاعده تسبیب، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم و غرور، می توان با رعایت احتیاط مبنی بر عدم تعرض به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت ها و نتیجه آن (اصل مسئولیت محدود)، با تحقق شرایط خاص و در موارد استثنائی، این قاعده را اجرا کرد. در نتیجه، چنانچه شرایط اجرای قاعده اصیل واقعی فراهم باشد، خواهان دیگر نیازی به درخواست انحلال یا بی اعتباری شرکت تابعه ندارد بلکه تنها وجود شرکت تابعه در برابر ثالث نادیده گرفته شده، شرکت مادر مسئول تعهدات آن می شود. شایان ذکر است که با توجه به خلاف اصل و استثنائی بودن این قاعده، قضات محاکم باید بر لبه ی باریکی از احتیاط گام بردارند و ناخواسته، یک امر استثنائی را آن چنان توسعه ندهند که اصول حقوقی را نقض و قدم فراتر از آن نهند. البته که صدور آرای جسورانه در پرونده های حقوقی توسط قضات فاضل می تواند به قانون گذار در تثبیت این وضعیت تقریباً نامأنوس با مبانی حقوقی داخلی، کمک فراوانی کند.

منابع

- (۱) آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۳۷۲ش، کفایه الاصول، تهران، انتشارات الاسلامیه، ج ۱.
- (۲) اسکینی، ربیعاً، ۱۳۹۱ش، شرکتهای تجاری، کلیات، شرکتهای اشخاص و شرکت با مسئولیت محدود، تهران، انتشارات سمت، ج ۱۰، ج ۱.



- ۲) امین پور، رضا، محمودیان چالبان، علی، درویش پوریان، ام البنین، ۱۳۹۸ش، «تحلیل اجتماع مسئولیت مباشر و سبب در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از دیدگاه حقوق خصوصی»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۳۹.
- ۴) امینی، منصور، عنایت تبار، رشید، ۱۳۹۷ش، «بررسی تطبیقی مسئولیت سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله گر در حقوق انگلستان»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، ش ۱.
- ۵) انصاری، شیخ مرتضی، ۱۴۲۳ق، کتاب المکاسب، قم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، ج ۳، ۳.
- ۶) بجنوردی، میرزا حسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ج ۱، ۳.
- ۷) پاسبان، محمدرضا، ۱۳۸۹ش، «اهلیت شرکت های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت های تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۱.
- ۸) پوزاد، فائزه، مسئولیت شرکت مادر در قبال ورشکستگی های شرکت تابعه، ۱۳۹۶ش، پایان نامه کارشناسی ارشد، حبیب طالب احمدی، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز.
- ۹) خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۷ق، مصباح الاصول، قم، انتشارات مکتبه الداوری، ج ۲.
- ۱۰) رضایی، علی، ۱۳۹۶ش، «مبانی مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه» مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، ش ۳.
- ۱۱) شهبازی نیا، مرتضی، عیسائی تفرشی، محمد، کاویانی، کوروش، فرجی، اسماعیل، ۱۳۹۰ش، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، ش ۷۴.
- ۱۲) شید، بابک، ایزانلو، محسن، ۱۳۹۶ش، «گسترش قلمرو داوری در پرتو نظریه اصیل واقعی و مطالعه تطبیقی با حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال دهم، ش ۳۷.



- ۱۳) عیسائی تفرشی، محمد، رمضانی آکردی، حبیب، ۱۳۹۲ش، «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، ش ۳.
- ۱۴) غلامی، جهانبخش، ۱۳۸۸ش، «تئوری اصیل مخفی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱.
- ۱۵) قنبری جهرمی، محمدجعفر، باغبان، رحیم، ۱۳۹۳ش، «اقامه ی دعوا علیه بنگاه های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت ها، چالش ها»، فصلنامه ی تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، ش ۶۷.
- ۱۶) فرجی، اسماعیل، ۱۳۹۰ش، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت، رساله دکتری، عیسائی و همکاران، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۱۷) فیضی چکاب، غلامنبی، ۱۳۷۴ش، اصل نسبی بودن قراردادها در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، سید محمود کاشانی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۸) کاتوزیان، امیرناصر، ۱۳۶۹ش، حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران، انتشارات بهنشر، ج ۳، ج ۲.
- ۱۹) کاویانی، کوروش، قاسمی مقدم، سعیده، ۱۳۹۴ش، «مسئولیت شرکت مادر در برابر بدهی شرکت های فرعی ورشکسته»، پژوهشهای حقوق خصوصی، سال سوم، ش ۵.
- ۲۰) محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۳ش، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱.
- ۲۱) مصطفوی، سید محمد کاظم، ۱۴۲۱ق، مائه قاعده الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
- ۲۲) موسوی بجنوردی، سید محمد، ۱۳۷۵ش، «قاعده اقدام»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۲.





(۲۳) میرزایی امغانی، مجید، ۱۳۹۵ش، «تحمیل مسئولیت بر اصیل واقعی ورای حجاب شخصیت حقوقی شرکت تجاری در یک رأی قضایی»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، دوره ۵، ش ۱۴.

(۲۴) نجفی، محمدحسن ۱۴۳۰ق، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی، ج ۳۷.

(۲۵) نصیری، مرتضی، ۱۳۶۴ش؛ ترجمه ی فخرایی، محمدجواد، «نظریه اصیل واقعی و Alter Ego»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۲، ش ۲.

- 26) Alexander, Beshar.(2017), "Piercing the Corporate Veil Limits of limited liability", Stockholm University, Vol.10, No.3.
- 27) Alexandra Horvathova.(2016), "Pierving The Corporate Veil: Us Lessons For Romania & Slovakia", Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law, Vol.17, No. 1, 7.
- 28) Edward P.Yankelunas.(2015), "The Alter Ego Article Doctrine in New York", NYSBA Journal, Vol. 87, No.4.
- 29) Elizabeth. S. Miller.(2017), " The Limits Of Limited Liability: Veil Piercing and Other Bases Of Personal Liability Of Owners, Governing Persons, and Agents Of Texas Business Entities", State Bar of Texas, Baylor University School of Law Waco, Chapter 4, Sec.16.
- 30) Garner, A.Brayan.(2009), Blacks Law Dictionary ,United State of America, West Publishing.
- 31) Hon. Louise D. A & Ali Mojdehi, C & Manuel Perez-F and Mary R.(2017), "Piercing the Corporate Veil and Alter Ego US and Mexican Law", San Diego. CA, Vol.4.
- 32) Jennifer, J. Hagan.(2007), "The Alter-Ego Doctorine Exception In California Corporate Law", The Hagan Law Firm, Vol.650.
- 33) Jordan, J.Jarrold.(2006), " Piercing the Corporate Veil in West Virginia: the Extension of Laya to all Shophisticated Commercial Entities", West Virginia Law Review, Vol.109.
- 34) Marcos Ibarguen S. (1994), " The Corporate Entity and Piercing The Corporate Veil", New York, Vol.2, No.2.
- 35) Michael W.P and Danial S.R.(2015), " Foundations Of Aviation Law", Arizona State University. Vol.1, No.1.
- 36) Nicholas .A. (2012), " Reverse Piercing of the Corporate Veil: A Straightforward Path to Justice", NYSBA NY Business Law Journal , Vol. 16, No. 1.



- 37) Robert A.Klyman, Lori Ziskowski, John M.pollack and Sobina Jacobs Margot.(2018), "Strategies Regarding Corporate Veil Piercing and Alter Ego Doctrine", Gibson Dunn,Vol.5.No.1.
- 38) Robert Charles Clark.(1986), Corporate Law, United State of America, Aspen Publishers.
- 39) Thompson, Robert B.(1990-1991), "Piercing the Corporate Veil: An Emprical Study", 76 Cornell Law Review,Vol.76,No.5,2.
- 40) Stephen B.Presser.(1993), "Piercing the Corporate Veil", C.Boardman in New York,Vol.47.
- 41) "Subsidiary Legal Definition of Subsidiary Synonyms" at: Free Online Law Dictionary & Definition of Subsidiary, Available at: <http://www.Merriam Webster.com>: Last visited on 10/10/2019.
- 42) William, E.mosher and Final G. Crawford.(1911), "public Utility Regulation" ,New York: Harper and Brothers,Vol.1,No.1.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و غرب - سال پنجم - شماره دوم - پاییز ۱۳۹۹

